

لُغَةُ الضَّاد

أَلمُحَادَثَةُ العَرَبِيَّةُ لِلنَّاطِقِينَ بِالفَارِسِيَّةِ

المرحلة التمهيديةالأولىٰ

مهدي اصغري

سرشناسه :	اصغري، مهدي، ۱۳۵۲ -
عنوان و نام پديدآور :	لغةالضاد مكالمه عربی برای فارسی‌زبان‌ها/ مهدی اصغری.
مشخصات نشر :	تهران: مهدی اصغری، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهري :	۲۴۸ص .
شابک :	۹۷۸-۶۰۰-۶۰۳۵-۵۸-۱
وضعيت فهرست نويسي:	فيپا
يادداشت :	عربي.
موضوع :	زبان عربی مکالمه و جمله‌سازی
رده بندي كنگره :	۱۳۹۲۷ل ٦الف/ ٦١١٥ PJ
رده بندي ديويي :	۷۸۲۴/۴۹۲
شماره كتابشناسي ملي:	۲۲۹۸۴۰۱
تاريخ درخواست :	۱۳۹۲/۰۱/۲۰
تاريخ پاسخگويي :	۱۳۹۲/۰۱/۲۷
كد پيگيري :	۳۱۳٤۷۳۹

لغة الضاد (المرحلة التمهيدية ١)

تألیف : مهدی اصغری

نرم افزار: روح الله شهبازی

تايپ: مينا دودانگه

صفحه آرايي: سميه محمدی

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

چاپ: دوم/ زمستان ۱۳۹۳

تلفن مرکز پخش : ۰۹۳۵_۵۵۸۳۳۵٤ – ۰۲۱_۸۸٤۵۹۸۷۲

www.arabinet.ir

بسم الله الرحمن الرحیم

جهان در چند دهه ی گذشته شاهد رشد چشمگیر رویکرد ملتها و دولت ها به زبان قرآن کریم، زبان عربی فصیح بوده است. این رویداد مبارک نه تنها در میان مسلمانان غیر عرب بلکه در میان غیر مسلمانان وعرب زبانان که خود قرنها با گرایش به لهجه‌های عامیانه از عربی فصیح فاصله گرفتند، غیر قابل انکار است.در این میان کشور ما نیز از این جریان مستثنی نبوده است.

در پاسخ به این نیاز روز افزون در سالهای اخیر مجموعه‌های متعدد آموزش مکالمه‌ی عربی فصیح در داخل و خارج از کشور تألیف و تدریس شده است. دست اندرکاران تهیه‌ی این مجموعه‌ها تلاش کرده اند تا نیاز علاقمندان به یادگیری این زبان را بر آورده سازند و در این مسیر به موفقیت‌هایی نیز دست یافته اند.

مخاطب بسته‌های آموزشی تألیف شده در خارج از کشور به طور عام غیر عرب زبان‌ها هستند. این مجموعه‌ها عموما از ویژگی آموزش روشمند و علمی زبان برخوردارند اما آنطور که باید، پاسخگوی نیاز زبان آموز ایرانی نیستند چرا که زبان فارسی با ویژگی‌های منحصر به فردش در پیوند با زبان عربی همچون اشتراک در حروف و بسیاری از واژگان، فارسی زبانان را از کاربران زبان‌های دیگر متمایز می‌نماید این ویژگی‌ها ایجاب می‌کند که بسته‌ی آموزشی زبان آموز فارسی زبان نیز متمایز و منحصر به فرد باشد.

از سوی دیگر بسته‌هایی که در داخل کشور تألیف یا تدوین شده اند غالبا از ویژگی آموزش روشمند، علمی و نوین زبان بهره‌ی کافی ندارند که این خود، دلیل اصلی عدم موفقیت چشمگیر این مجموعه‌ها در آموزش این زبان به شمار می‌رود و از این رو است که تا کنون نصیب یادگیرنده‌ی ایرانی از این دو گروه بسته‌های آموزشی اندک بوده است.

با توجه به این نقایص و باهدف جبران آن، مجموعه‌ی "لغة الضاد" که از منابعی همچون "العربیة للحیاة" و "العربیة بین یدیک" و "الکتاب الاساسی" و مانند آن سود جسته است پا به عرصه‌ی آموزش مکالمه‌ی عربی می‌گذارد. این بسته با بهره گیری از منابع اصلی و به روز آموزش مکالمه‌ی عربی در دنیا از آخرین دستاوردهای علومی چون آموزش زبان، روانشناسی آموزش و زبان شناسی برخوردار است و کمبودها و نقاط ضعف هر یک از منابع آن با نقاط قوت دیگری یا با بخش های نگارش شده، جبران شده است. مجموعه ی "لغة الضاد" با توجه به

آشنايي مؤلف آن با ويژگی‌های زبان آموز ايرانی و شناسايي نيازهای مخاطب ويژه اش در طی بيش از بيست سال تدريس مکالمه، قواعد و ترجمه‌ی زبان عربی در مؤسسات آموزشی، حوزه‌ها و دانشگاه‌های کشور و پس از چند دوره تدريس و انجام جرح و تعديل لازم به عمده نيازهای مخاطب خود پاسخ می‌دهد و او را گام به گام به قابليت سخن گفتن و نوشتن به اين زبان و توانايي فهم شنيداری و نوشتاری آن مجهز می‌سازد.

بی ترديد اين مجموعه نيز همچون هر بسته‌ی ديگری در کنار قابليت‌های فراوانش، کمبودهايي دارد که اميد است با طرح نظرها وپيشنهادهای سازنده‌ی صاحب نظران، مدرسان و زبان آموزان عزيز به حداقل ممکن کاهش يابد.

و من الله التوفيق
مهر ماه ۱۳۹۳
مهدی اصغری

مخاطب مجموعه

مخاطب اين بسته، گروه‌های سنی نوجوانان، جوانان و بزرگسالان می‌باشد.اين مجموعه در دوره‌های منظم آموزشی در قالب کلاسهای عادی وفشرده وهمچنين به طور مستقل و بدون نياز به حضور در کلاس قابل استفاده است. زبان آموز "لغة الضاد" به هيچ گونه پيش زمينه‌ی عربی نياز ندارد. اين مجموعه يادگيرنده را گام به گام به قابليت برقراری ارتباط شفاهی و نوشتاری با عرب زبانان و توانايي ابراز رفتار زبانی مناسب می‌رساند و به او امکان می‌دهد تا در دانشگاه‌هايي که زبان آموزش، عربی است به تحصيل بپردازد.

اهداف مجموعه

هدف کلی مجموعه‌ی"لغة الضاد" ايجاد توانايي فهم زبان عربی هنگام خواندن و شنيدن و کاربرد آن در سخن گفتن و نوشتن در زبان آموز ايرانی جهت بر قراری ارتباط فعال با عرب زبان‌ها (الناطقين بلغة الضاد) می باشد.[۱]

دستورالعمل‌های تأليف مجموعه

در تأليف اين مجموعه از جديدترين روش‌های آموزش زبان در دنيا بهره گرفته شده است. اين روش‌ها با در نظر گرفتن ويژگی‌های زبان‌های عربی و فارسی و ارتباط ويژه‌ی اين دو در ذهن زبان آموز ايرانی در قالب دستور العمل‌های زير در اين مجموعه اعمال شده است:

۱- لغة الضاد نام ديگر زبان عربی است . اين نام ريشه دراين باور دارد که تنها عرب ها، می توانند حرف ضاد را به درستی تلفظ کنند .

۱- اولویت دادن به زبان آموز به عنوان محور آموزش در فرآیند یادگیری زبان ۲- توجه خاص به روانشناسی آموزش زبان و شیوه‌های مؤثر یادگیری آن ۳- پیشرفت همسو و همزمان مهارت‌های ٤گانه‌ی زبان و عناصر تشکیل دهنده‌ی آن شامل آواها، واژگان و ساختارهای دستوری ٤-توجه ویژه به نظام آوایی زبان عربی در دو بعد درک و تولید زبان ٥-سیر تدریجی و گام به گام ارایه‌ی مواد آموزشی٦ - توجه به تفاوت‌های فردی زبان آموزان ۷- تنوع موضوعی گفت وگوها و متن‌ها و انتخاب گفت و گوهای کوتاه در مرحله‌ی مقدماتی ۸- استفاده از تمرین‌های متنوع و متعدد ۹- تناسب میان سطح پیشرفت زبان آموزان و محتوای دروس ۱۰- حرکت و اعراب گذاری کلمات به اقتضای نیاز ۱۱- تنظیم حجم واژگان و ساختها در هر وحده و کتاب ۱۲- فراهم آوردن امکان یادگیری موازی دو موضوع و بیشتر در هر وحده ۱۳- ارایه‌ی مفردات در چارچوب جملات و متون کاربردی ١٤- توجه به بعد کاربردی زبان در آموزش واژگان و ساختها ١٥- توجه ویژه به مهارت سخن گفتن در مراحل مقدماتی و میانی ١٦- تعادل و تعامل میان مهارت‌های زبانی و عناصر تشکیل دهنده‌ی زبان١٧- انعطاف پذیری مجموعه در تعامل با مدرس و زبان آموز ١٨- توجه ویژه به استفاده از واژگان پر کاربرد زبان عربی در دنیای امروز عرب ١٩- بهره گیری از تجارب بسته‌های آموزشی زبان‌های دیگر همچون انگلیسی، فرانسه و آلمانی ٢٠- استفاده از منابع متنوع ، متعدد و پیشرو در آموزش زبان عربی٢١- ارایه‌ی موضوعات فرهنگی در چارچوب‌های روزمره، ملموس و جذاب ٢٢- یاری جستن از تصاویر بویژه در مرحله‌ی مقدماتی٢٣- تسهیل در استفاده از نرم افزار با برطرف ساختن موانع و پیچیدگی‌های رایج آن ٢٤- آموزش آسان قواعد کاربردی به روش استنتاجی ٢٥- فراهم آوردن فرصت‌های پی در پی برای زبان آموز جهت ارزیابی میزان پیشرفت خود.

زمان بندی آموزش مجموعه

مجموعه لغة الضاد شامل سه مرحله‌ی مقدماتی، میانی و پیشرفته می‌باشد. هر مرحله، از کتاب زبان آموز و نرم افزار و کتاب معلم مشتمل بر راهنمای تدریس و پاسخ تمرینها تشکیل می‌شود. این مجموعه در ٢١ ترم ١٨ساعته (٣٧٨ ساعت) تدریس می‌شود. دو مرحله‌ی مقدماتی و میانی هر یک شامل دو دوره‌ی ٤ ترمی (٨ ترم) و مرحله‌ی پیشرفته شامل ٥ ترم، می‌باشد.

آشنایی با مرحله مقدماتی

مرحله مقدماتی ١ و ٢ شامل لوح فشرده (نرم افزار) و کتاب زبان آموز، جمعا مشتمل بر ١٦ فصل (وحدة) و ٩٦ درس است. هر فصل به چند موقعیت و موضوع زندگی روزمره می پردازد و شامل ٦ درس می‌باشد.

در هر وحدة، درس اول مشتمل بر ۳ گفت و گو (حِوار) می باشد (فقط وحده ی اول شامل ٦ حوار است).

گفت و گوها، تمرین‌های گفتاری و نوشتاری، مفردات، قواعد، خودآزمایی‌ها و امتحانات پایان دوره در کتاب زبان آموز آمده است. در پایان هر دو وحده بخش خودآزمایی (اختبر نفسک) و در پایان وحده ی هشتم (کتاب اول) امتحان پایان دوره ی مقدماتی اول و در آخر وحده ی هشتم (کتاب دوم)، امتحان پایانِ دوره ی مقدماتی دوم قرار دارد.

در لوح فشرده، شکل صوتی گفت و گو ها ی درس اولِ هر وحده را می شنویم و در درس دوم به تمرین واژگان (مفردات) می پردازیم. در درس چهارم نحوه ی تلفظ صحیح صداها (الاصوات) در قالب حروف، مفردات و آیات قرآن کریم و درک مطلب از راه شنیدن (فهم المسموع) را تمرین می کنیم. و بالاخره در درس ششم لوح فشرده، مهارت خواندن (القراءة) و نوشتن (الکتابة) را تمرین می کنیم و می آموزیم. همزمان با انجام تمرین های کتاب زبان آموز ، می بایست دروس لوح فشرده، درس به درس تکرار و تمرین شود.

چگونه واژگان (المفردات) را بیاموزیم؟

تصویری شخصی از هر واژه در ذهن ما وجود دارد که با آن تصویر، واژه ی عربی را ، می فهمیم، می آموزیم و بیان می کنیم. مثلا کلمه‌ی «سیارة» به معنای «ماشین» باید در قالب عکسی از یک ماشین در ذهن دیده شود و نه با تجسم واژه ی فارسی«ماشین». از واژه‌ی ماشین فقط برای تداعی تصویر«سیارة» در ذهن استفاده می‌کنیم. همچنین آموختن کلمه‌ی سیارة با تصور لفظ عربی«سیارة» در ذهن ونه تصویر آن اشتباه است. توجه داشته باشید که از واژگان فارسی تنها برای پیوند واژه‌ی عربی به تصویر ذهنی آن استفاده کنید چرا که زبان مادری در یادگیری زبان دوم تنها نقش یک پل را دارد. مراقب باشید هنگام جمله سازی یا هنگام سخن گفتن به زبان عربی، عبارت‌ها را از فارسی به عربی ترجمه نکرده و الفاظ فارسی یا عربی را در ذهنتان تصور نکنید!

برای یادگیری واژگان با قصد تقلید به واژه ی عربی گوش دهید تصویر آن را در ذهن خود به طور روشن تجسم کرده و واژه را با صدای بلند چندین بار تکرار کنید. در عین حال به چگونگی تلفظ آن نیز عمیقا توجه کنید. به تلفظ کردن صحیح واژه آنطور که می‌شنوید اهمیت داده و سعی کنید تصویر آن را به طور روشن و زنده در ذهن خود با تلفظ واژه همراه کنید به طوری که بیان یا شنیدن واژه بلافاصله تصویر آن را تداعی کند و حتما با هر واژه‌ی جدید، چند جمله‌ی کوتاه، ساده و ملموس در زندگی روزمره بسازید.

چگونه ساختارهای اصلی (التّراكيبُ الأساسية) را بیاموزیم؟

ساختارها، قالبهای زبانی هستند که با قرار دادن و جایگزین کردن واژگان در آنها می‌توان هزاران جمله را ساخت و بیان کرد. مثلا جمله ی « أنا طالب» در یک ساختار ساده متشکل از «أنا» و «طالب» بیان می‌شود. با قرار دادن اسمهایی چون (أنت، هو، علی، أخي، هذا...) به جای «أنا» می‌توان جملات «أنا طالب»، «أخي طالب»، «علي طالب»، «هذا طالب» و ... را ساخت. همچنین به جای طالب می‌توان اسم¬هایی چون (معلّم، مصریّ، مسرور و ...) را به کار برد و جملاتی همچون «أنا معلم»، «أنا مصريّ»، «أنا مسرور» و ... را شکل داد. (تصور کنید با کاربرد گروه واژگان (أنا، أنت، هو، علي و ...) و گروه (معلّم، مصريّ، مسرور و ...) چه تعداد جمله می‌توان ساخت!

ساختارها اساس و اسکلت ساختمان زبان را شکل می‌دهند و واژگان در حکم آجرهایی هستند که در چارچوب آن قرار می‌گیرند و ساختمان زبان را تکمیل می‌کنند.از این رو لازم است از هر ساختار حداقل یک جمله را به عنوان الگو به خاطر بسپارید و تلاش کنید در این ساخت با کاربرد واژگان گوناگون جمله بسازید و منظور خود را بیان کنید.

چگونه گفت و گو(الحِوار) را بیاموزیم؟

به دقت به گفت و گوها گوش کرده و به تصاویر روشن و زنده آن ها در ذهنتان نگاه کنید. هر گفت و گو را یک بار گوش کنید و تصویری کلی از آن را در ذهن خود تصویر کنید. به افراد، مکان و زمان انجام گفت و گو فکر کرده هر یک را به روشنی در ذهن خود تجسم کنید. بار دوم گوش کرده و تکرار کنید. سعی کنید به دقت تقلید کنید همانطور که می‌شنوید تلفظ کرده و همزمان مفهوم عبارت‌ها را در ذهن خود به تصویری روشن تبدیل کنید. هر بار خود را به جای یکی از افراد شرکت کننده در گفت و گو تصور کرده، با صدای بلند گفت و گو را اجرا کنید. با تمام حواس و قوه‌ی تخیّل و با باور به اینکه شما خود در آن موقعیت وجود داشته و نقش دارید به اجرای گفت و گو بپردازید.سعی کنید کلمات و عبارت‌ها را درست و دقیق بفهمید تا گفت و گو را به درستی و آن گونه که هست دریافت کنید.

گفت و گوی اول در «وحده ی۲» میان علي و عمار را گوش کنید. علي و عمار را تصور کنید که درباره‌ی عکس خانوادگی علی با هم صحبت می‌کنند. در این عکس پدر، مادر، برادر و خواهر علی و نیز پدر بزرگ و مادر بزرگ او دیده می‌شوند. هر یک را به دقت تصور کنید سپس اسم و شغل هر کدام را با تصویر ویژه در

ذهن خود تجسم کنید. در این گفت و گو، پدر اسمش عدنان بوده و مهندس است و اسم مادر سعیده بوده و پزشک است و ...

حال، خود را به جای عمار تصور کرده، با این باور شروع کنید خود، (علی) و تک تک افراد خانواده‌ی او را معرفی کنید. این حوار را می‌توانید اینگونه به یک متن (نص) تبدیل کنید: (اسمي عمّار و هذا صديقي، اسمُهُ علي، و هذه صورةُ اسرتِهِ. هذا والِدُهُ عدنان، هو مهندس و هذه والدتُهُ سعيدة، هي طبيبة و هذا أخوه عيسى، هوطالب و هذه أختُهُ عبلة، هي معلمة و هذا جدُّهُ و هذه جدّتُهُ.)

یک بار دیگر و این بار خود را به جای علی تصور کنید و اینگونه گفت و گو را به یک متن تبدیل کنید.(أنا علي و هذا صديقي عمّار و هذه صورة اسرتي. هذا والدي اسمه عدنان، هو مهندس و هذه والدتي سعيدة، هي طبيبة و هذا أخي عيسى، هو طالب و هذه أختي عبلة، هي معلمة و هذا جدّي و هذه جدّتي.)

سعی کنید پس از چند بار گوش کردن و خواندن، گفت و گو را با کتاب بسته به متن تبدیل کنید سپس کتاب را باز کرده با مقایسه‌ی میان متن خود و گفت و گوی کتاب، به ویرایش و تکمیل کردن متن خود بپردازید. این کار را تا رسیدن به یک متن کامل، درست و ایده آل تکرار کنید. می‌توانید به جای نوشتن، متن خود را با صدای بلند بیان کرده و ضبط کنید.

توجه داشته باشید که در این متن عبارت هایی چون (قال علي: علی گفت) و (أجاب عمار: عمار پاسخ داد) ، وجود ندارد. کافی است پاسخ‌ها را کنار هم ردیف کنید تا متنی یکدست، منطقی و با سبک داستانی به دست آورید و به موضوع گفت و گو مطلبی اضافه نکنید. این شیوه نیاز به تکرار و تمرین دارد با اجرای این روش در مورد تمام گفت و گوها از همان ابتدای یادگیری وارد میدان تولید زبان می‌شوید و به بهترین وجه ممکن به هدف یادگیری زبان یعنی کاربرد آن در گفتار و نوشتار دست می‌یابید.

چگونه تمرین‌ها را انجام دهیم؟

یادگیری زبان از نقطه نظر نوین، تمرین و کاربرد زبان در ذهن زبان آموز و میان او و مدرس زبان و زبان آموزان و در نهایت در ارتباط میان زبان آموز و کاربران اصلی زبان است. میزان پیشرفت و رشد زبان آموز در زبان بستگی تام به مدت زمانی دارد که در چاچوب این ارتباطات، مهارت‌های زبان را تمرین می‌کند. یادگیری زبان به حجم دروسی که دریافت می‌کنیم یا تعداد صفحاتی که می‌خوانیم و یا واژگانی که حفظ می‌کنیم محدود نیست بلکه می بایست عملا فرصت تمرین زبان را در گفتار و نوشتار در زندگی روزمره فراهم سازیم. از این رو کاربرد

زبان اساس یادگیری آن است و انجام تمرین‌های کتاب تنها بخشی از تمرین زبان به شمار می رود.

اولین گام برای انجام هر نوع تمرین توجه به هدف آموزشی آن تمرین است. باید توجه داشت که تمرین به دنبال آموزش کدام یک از مهارت های سخن گفتن، نوشتن، شنیدن و خواندن است. هدف کلی هر تمرین ایجاد کمی وکیفی مهارت هایی در زبان آموز است که کاربران اصلی زبان از آن برخور دارند و نتیجه ی طبیعی انجام هر تمرین نیز دستیابی به این مهارت هاست. تصویرسازی، تقلید دقیق و تکرار، شروط لازم تمرین زبان است. بنابراین تنها خواندن یا نوشتن یک تمرین برای رسیدن به هدف آن، هرگز کافی نیست.می‌بایست معنای تک تک واژگان و جملات را بفهمید یعنی تصاویری روشن و زنده از آن ها در ذهنتان ببینید و تا حصول اطمینان از توانایی کاربرد درست، سریع و روان آن در زندگی روزمره تقلید کرده و با صدای بلند ، تکرار کنید.

الوَحدَةُ الأُولى

الحِوارُ الاوّلُ: (به گفت وگوها گوش كنيد، به تصاوير آن در ذهن نگاه كرده و تقليد و تكرار كنيد .)[1]

خالِد:السَّلامُ عَلَيْكُم.
خَليل: وَ عَلَيْكُمُ السَّلام.
خالِد:إسمي خالِد، ما اسْمُكَ ؟
خَليل: إسْمي خَليل.
خالِد:كَيْفَ حالُكَ ؟
خَليل: بِخَيْرٍ ، وَالحَمْدُلله.
وَكَيْفَ حالُكَ أَنْتَ ؟
خالِد: بِخَيْرٍ ، وَالحَمْدُلله.

الحِوارُ الثّانيُّ :

خَوْلَة : السَّلامُ عَلَيْكُم .
خَديجَة : وَعَلَيْكُمُ السَّلام.
خَوْلَة : إسْمي خَوْلَة، ما اسْمُكِ ؟
خَديجَة : إسْمي خَديجَة .
خَوْلَة : كَيْفَ حالُكِ ؟
خَديجَة : بِخَيْرٍ ، وَالحَمْدُلله .
وَكَيْفَ حالُكِ أَنْتِ ؟
خَوْلَة : بِخَيْرٍ، وَالحَمْدُلله .

الحِوارُ الثّالِثُ:

مُحَمَّد : السَّلامُ عَلَيْكُم .
شَريف: وَ عَلَيْكُمُ السَّلام .
مُحَمَّد : مِنْ أَيْنَ أنْتَ ؟
شَريف: أَنا مِنْ باكِسْتان .
مُحَمَّد : هَلْ أَنْتَ باكِسْتانيّ ؟
شَريف: نَعَمْ، أَنا باكِسْتانيّ. وَ ما جِنْسِيَّتُكَ أَنْتَ ؟
مُحَمَّد : أَنا تُرْكِيٌّ . أَنا مِنْ تُرْكِيا.
شَريف : أَهْلاً وَ سَهْلاً .

١ جملات تاكيدى دراين كتاب برگرفته از كتاب "زبان را ببلعيد، مزمزه نكنيد" نوشته مهدى اصغرى مى باشد. براى كسب اطلاعات بيشتر به سايت : www.arabinet.ir مراجعه نماييد.

الحِوارُ الرَّابِعُ :

مَرْيَمُ : السَّلامُ عَلَيْكُم .
زَيْنَبُ : وَ عَلَيْكُمُ السَّلام .
مَرْيَمُ : مِنْ أيْنَ أَنْتِ ؟
زَيْنَبُ : أَنا مِنْ مِصْر .
مَرْيَمُ : هَلْ أَنْتِ مِصْرِيَّة ؟
زَيْنَبُ : نَعَمْ ، أَنَا مِصْرِيَّة . وَ ما جِنْسِيَّتُكِ أَنْتِ ؟
مَرْيَمُ : أَنا سورِيَّة . أَنَا مِنْ سورِيا .
زَيْنَبُ : أَهْلاً وَ سَهْلاً .

الحِوارُ الخامِسُ :

أَحْمَد : السَّلامُ عَلَيْكُم .
بَدْر : وَ عَلَيْكُمُ السَّلام .
أَحْمَد : هَذا أَخِي . هُوَ مُدَرِّس .
بَدْر : أَهْلاً وَ سَهْلاً .
أَحْمَد : هَذا صَديقي . هُوَ مُهَنْدِس .
الَاخ : أَهْلاً وَ سَهْلاً .
أَحْمَد: مَعَ السَّلامَة .
بَدْر : مَعَ السَّلامَة .

الحِوارُ السَّادِسُ :

نَدَى السَّلامُ عَلَيْكُم .
هُدى : وَ عَلَيْكُمُ السَّلام .
نَدَى : هَذِهِ أُخِتي . هِيَ طبيبة .
نَدَى : هَذِهِ صَديقَتي . هِيَ طالِبَة .
هُدَى : أَهْلاً وَ سَهْلاً .
الأُخْت : أَهْلاً وَ سَهْلاً .
نَدَى : مَعَ السَّلامَة
هُدَى : مَعَ السَّلامَة.

أَكمِلِ النُّصُوصَ التَّالِيَة.

❖ نَصُّ الحِوارِ الأَوَّل

هذا خالد و هذا خليل. خالد بخير و خليل .... أيضاً. و هذا حوار و تعارف بينَ .... و.......... .

❖ نَصُّ الحِوارِ الثّاني

هذه .... و هذه خديجة. خولة بخير و.........بخير أيضاً. و هذا .... و تعارف بينَ .... و..........

❖ نَصُّ الحِوارِ الثّالث

هذا......... و هذا شريف. محمد .... هو من تركيا و شريف من .... هو باكستانيّ. .... سعيد بمعرفةِ شريف و .... سعيد بمعرفةِ محمد أيضاً. و هذا حوار و .... بين محمد و............

❖ نَصُّ الحِوارِ الرّابع

هذه مريم و هذه .... زَينب من مصر هي .... و مريم سوريَّة، هي من .... مريم سعيدة بمعرفة .... و زَينب .... بمعرفةِ مريم أيضاً و هذا .... و .... بين زَينب و مريم.

❖ نَصُّ الحِوارِ الخامس

هذا أحمد و ....أخوهُ، هو .... و هذا صديقُه بدر، ....مهندس، و ....حوار بين أحمد و أخيهِ و صديقِهِ و تعارف .... صديقِ .... و أخيهِ. أخو أحمد .... بمعرفةِ بدر و.......... سعيد بمعرفتِهِ.

❖ نَصُّ الحِوارِ السّادس

.... نَدى و هذه أختُها و هذه صديقتُها إسمُها .... أختُ .... طبيبة و صديقتُها.......... أخت ندى سعيدة بِ .... هدى و هدى .... بمعرفتِها أيضاً و هذا حوار بينَ .... و صديقتِ.......... و أُختِها و............بين أختِ ندى و .... ها .

مارِسْ تَدريباتِ القُرصِ دَرساً درساً.تمرين هاى لوح فشرده را درس به درس تمرين كنيد.

(در تمام تمرینات کتاب چند مورد دیگر را با تقلید از موارد گذشته تمرین بسازید.)

١ اَعِدِ الجملةَ الآتيةَ كَما في الأمثِلَة.

(علی مُهندس است: عليّ مُهندس.)

١ م: علي مُهندس	**ط: عليّ مُهندس**	**٢ م: طبيب**	**ط: عليّ طبيب**
٣ م: فوزية	ط: فوزية طبيبة	٤ م: محاسبة	ط: ....
٥ م: محمود	ط:	٦ م: مهندس	ط: ....
٧ م: سلوَى	ط:	٨ م: طالبة	ط: ....
٩ م: أحمد	ط:	١٠ م: مدرّس	ط: ....
١١ م:	ط:	١٢ م:	ط: ....

٢ أَكمِل كَما في المثال:

(تو معلم هستی: أنتَ مُدَرِّس)

أنتَ مُدَرِّس.	**(أنتِ)**	**أنتِ مُدَرِّسة.**	**هيَ طالبة.**	**(هُوَ)**	**هُوَ طالب.**
١ أَنتِ عَرَبية.	(أَنتَ)	....	٢ هُوَ سوريّ.	(هيَ)	....
٣ أَنتَ لُبنانيّ.	(أَنتِ)	....	٤ هيَ مِصرية.	(هُوَ)	....
٥ هوَ صَديق.	(هيَ)	....	٦ أَنتَ مِصريّ.	(أنتِ)	....
٧ هيَ مُدَرِّسَة.	(هُوَ)	....	٨ هُوَ أَلمانيّ.	(هيَ)	....

٣ أَكمِل كَما في المثال:

(من پزشک هستم: أنا طبيب) (تو پزشک هستی: أنتِ طَبيبَة)

١ أنا مُهَندِس / أَنتِ	٢ أَنا مُدَرِّسَة / أَنتَ	٣ هو طبيب / هِيَ ....
٤ هو مُهَندِس / هِيَ	٥ هو مُدَرِّس / هِيَ	٦ هو طالب / أنتِ ....
٧ .... /	٨ .... /	٩ .... / ....

٤ أَكمِل كَما في المثال:

(او دانشجو است: هُوَ طالب)

هُوَ طالب. (هيَ) هيَ طالبة. أنتَ مُدَرِّس. (أنتِ) أنتِ مُدَرِّسَة.

١ هُوَ عَرَبيّ. (هِيَ) .... ٢ أَنتَ مِصريّ. (أَنتِ) ....

٣ هُوَ سوريّ. (هِيَ) .... ٤ أَنتَ مُفَتِّش. (أَنتِ) ....

٥هُوَ صَديق (هيَ) .... ٦ أَنتَ لُبنانيّ. (أَنتِ) ....

٧ هُوَ مُدَرِّس. (هيَ) .... ٨ أَنتَ طَبّاخ. (أَنتِ) ....

٥ أَكمِل كَما في المثالين:

هُوَ إيرانيّ هِيَ إيرانيَّة

١هُوَ طبّاخ هي طبّاخة ٢ هُوَ .... هِيَ ....

٣ هُوَ .... هِيَ .... ٤ هُوَ .... هِيَ ....

٥ هُوَ .... هِيَ .... ٦ هُوَ .... هِيَ ....

٦ أَكمِل كَما في المثالين:

أَنَا مُهَندِس أنتَ مُهَندِس أنتِ مُهَندِسَة

١ أنا إيرانيّ أنتَ إيرانيّ أنتِ إيرانيَّة

٢ أَنا .... أَنتَ .... أَنتِ ....

٣ أَنا .... أَنتَ .... أَنتِ ....

٤ أَنا .... أَنتَ .... أَنتِ ....

٥ .... أَنتَ .... أَنتِ ....

٦ .... أَنتَ .... أَنتِ ....

٧ أجب عن الأسئلة التّالية مستعملا «نعم»

(آیا سالم مهندس است؟: هل سالم مهندس؟) (بله سالم مهندس است: نعم، سالم مهندس)

١ هل سالم مهندس؟ نعم، سالم مهندس. ٢ هل نبيلة طبيبة؟ .... ، نبيلة طبيبة.

٣ هل أحمد طالب؟ .... أحمد طالب. ٤ هل زينب مُدَرِّسة؟ .... ، زينب مُدَرِّسة.

٥ .... ٦...

٧ .... ٨ ....

٨ أكمِل كما في المثال:

(آیا تو مصری هستی؟: هَل أنتَ مِن مِصر؟)

هَل أنتَ مِن مِصر؟ نَعَم،أنا مِن مِصر. هَل أنتِ مِن القاهِرَة؟ نَعَم، أنا مِن القاهِرَة.

١ هَل أنتَ مِن سوريا ؟ .... ٢ هَل أنتِ مِن فَرَنسا ؟ ....

٣ هَل أنتَ مِن القاهِرَة ؟ .... ٤ هَل أنتِ مِن دِمَشق ؟ ....

٥ هَل أنتَ مِن سويسرا ؟ .... ٦ هَل أنتِ مِن ألمانيا ؟ ....

٧ هَل أنتَ مِن لُبنان ؟ .... ٨ هَل أنتِ مِن مِصر ؟ ....

٩ اكمِل كَما في المثال:

هَل أنتَ مِصريّ؟ نَعَم أنا مِصريّ. هَل أنتِ مِصريّة؟ نَعَم أنا مِصريَّة.

١ هَل أنتَ عَرَبِيّ ؟.................... ٢ هَل أنتِ عَرَبِيَة ؟ ....

٣ هَل هُوَ طالِب ؟ .... ٤ هَل هِيَ طالِبَة ؟ ....

٥ هَل هُوَ بهروز ؟ .... ٦ هَل هِيَ سَوسَن ؟....................

٧ هَل هُوَ سوريّ ؟.................... ٨ هَل هِيَ مُدَرِّسَة ؟ ....

١٠ أَكمِل كَما في المثالين:

(آیا تو عرب هستی؟: هَل أنتَ عَرَبيّ ؟)، نَعَم أنا عَرَبيّ. هَل هِيَ مِصريَّة؟ ، نَعَم هِيَ مِصريَّة.

١ هَل أنتِ عَرَبيّة ؟.................... ٢ هَل هُوَ سوريّ ؟ ....

٣ هَل هِيَ سوريّة ؟.................... ٤ هَل أنا عَرَبِيّ ؟ ....

٥ هَل أنا عَرَبِيَّة ؟ .... ٦ هَل أنتِ مِصريّة ؟ ....

٧ هَل أنتَ عَرَبِيّ ؟ .... ٨ هَل هِيَ مِصريّة ؟ ....

١ أجب عن الأسئلة التالية مستعملا «لا».

(آيا سالم دانشجواست؟: هل سالم طالب؟) **(نه، سالم مهندس است: لا، سالم مهندس.)**

١ هل سالم طالب ؟ (مُهَنْدِس) لا ، سالم مهندس. ٢ هل نَبيلة مُدَرِّسة ؟ (طَبيبَة) لا ، نَبيلة طبيبَة.

٣ هل أحمد مهندس ؟ (طالِب) .... ٤ هل زينب طَبيبَة ؟ (مُدَرِّسة) ....

٥ هل مُصطَفى مُدَرِّس ؟ (مُحاسِب) .... ٦ هل سامية بُستانيّة ؟ (طَبّاخَة) ....

٧ هل شريف عراقيّ ؟ (إيرانيّ) .... ٨ هل فوزية رَبَّة بيت ؟ (موظفة) ....

٢ أَكمِلْ كَما في المثال:

هل أنتَ طالِب؟ (مُدَرِّس) لا، أنا مُدَرِّس.

١ هَل أنتِ طالِبَة ؟ (مُدَرِّسَة) .... ٢ هَل أَنتَ مُدَرِّس ؟ (طالب)............

٣ هَل أَنتَ رَجُل أَعمال ؟ (مُدَرِّس) .... ٤ هَل أَنتَ مِصريّ ؟ (سوري)............

٥ هَل هُوَ سوريّ ؟ (مِصريّ) .... ٦ هَل هِيَ مِصريَّة ؟ (سُوريَّة) ....

٧ هل أَنتَ طالِب ؟ (مُدَرِّس) .... ٨ هَل أَنتِ مُدَرِّسَة ؟ (طالِبَة) ....

٣ أَكمِلْ كَما في المثال:

هَل أنا مِصريَّة ؟(سوريَّة) **لا، أَنتِ سوريَّة.**

١ هَل أَنتَ طالب ؟(مُدَرِّس) .... ٢ هَل أَنا طالبة ؟ (مُدَرِّسَة) ....

٣ هَل هُوَ طالب ؟(مُدَرِّس) .... ٤ هَل هِيَ مُدَرِّسَة ؟ (طَبّاخَة) ....

٥ هَل أَنتَ سامي ؟(حَسَن) .... ٦ هَل أَنتِ نَبيلَة ؟ (سَميرَة) ....

٧ هَل أنا ضابط ؟(مُفَتِّش) .... ٨ هَل أَنا فَرَنسية ؟ (سويسرية) ....

٤ تَبادَلِ السُّؤالَ و الجَوابَ مَعَ زَميلِك، كَما في المِثالَيْن.

م : إيرانىّ ط١: هَلْ أَنْتَ إيرانىّ ؟ ط٢: نَعَمْ، أنا إيرانىّ.

م : إيرانيّة ط ١: هَلْ أَنتِ إيرانيّة ؟ ط٢: نَعَمْ، أنا إيرانيّة.

١ م : تُرْكِيّ ط١ .... ط٢ .... ٢ م : تُرْكِيَّة ط١ .... ط٢ ....

٣ م: مِصْرِيّ ط١ .... ط٢ ....
٤م : مِصْرِيَّة ط١ .... ط٢ ....
٥ م:سوريّ ط١ .... ط٢ ....
٦ م : سورِيَّة ط١ .... ط٢ ....
٧ م : إيرانىّ ط١ .... ط٢ ....
٨ م : إيرانيّة ط١ .... ط٢ ....
٩ م: .... ط١ .... ط٢ ....
١٠م............ ط١ .... ط٢ ....

٥ هاتِ جُمَلاً كَما في المِثال.

م : أب – طبيب ط: هذا أبي ، هُوَ طبيب .

١ م : أُخْت- مُدَرِّسَة ط : ....
٢ م: صَديق- طَبيب ط : ....
٣ م : صَديقَة- طَبيبَة ط : ....
٤ م : أَخ- مُهَنْدِس ط : ....
٥ م : أُخْت-طالِبَة ط : ....
٦ م : أَخ - مُدَرِّس ط : ....
٧ م : .... ط : ....
٨ م : .... ط : ....

٦ تَبادَلِ السُّؤالَ و الجَوابَ مَعَ زَميلِک، كَما في المِثال.

م : أَنْتَ– إيران ط١: مِنْ أَيْنَ أَنْتَ؟ ط٢: أنا مِنْ إيران .

١ م : أَنْتِ ط١.......... ط٢..........
٢ م : تُرْكِيا ط١.......... ط٢..........
٣ م: هُوَ ط١.......... ط٢..........
٤ م : سوريا ط١.......... ط٢..........
٥ م: هِيَ ط١.......... ط٢..........
٦ م : مِصْر ط١.......... ط٢..........
٧ م : أَنْتِ ط١.......... ط٢..........
٨ م:باكِسْتان ط١.......... ط٢..........
٩م: .... ط١.......... ط٢..........
١٠م: .... ط١.......... ط٢..........

٧ هاتِ جُمَلاً كَما في المِثال.

المِثال: م : عليّ ط: إسمي عليّ

١ م : عدنان ط : ....
٢ م: سميرة ط : ....
٣ م : أحمد ط : ....
٤ م : سوسن ط : ....

٥ م : فاطِمَة ط : .... ٦ م : محمد ط : ....

٧ م: مَهديّ ط : .... ٨ م : زينب ط : ....

٩ م: ...... ط : .... ١٠ م: ...... ط : ....

٨ هاتِ جُملاً كَما في المِثال.

م : إيرانيّ – إيران ط: أنا إيرانيّ، أنا مِنْ إيران.

١ م : تُرْكيّ- تُرْكيا ط : .... ٢م: سعودية- السعودية ط : ....

٣ م:باكِستانيّ- باكِستان ط : .... ٤ م : تُرْكيَّة- تُرْكيا ط : ....

٥ م : سورِيَّة- سوريا ط : .... ٦ م : مِصْرِيَّة- مِصْر ط : ....

٧ م: .... ط : .... ٨ م: .... ط : ....

٩ أكمِل كَما في المثال.

(اين سامى است: هذا سامي)

هذا سامي. (سَميرة) هذه سَميرَة. هذه طالبة. (طالب) هذا طالب.

١ هذا مِصريّ. (مِصرية) .... ٢ هذه عَرَبية. (عَرَبي) ....

٣ هذا مُدَرِّس. (مُدَرِّسَة)............... ٤ هذه طَبّاخَة. (طَبّاخ) ....

٥ هذا بيت. (حَديقة) .... ٦ هذه غُرفَة (مَكتَب) ....

٧ هذا بُستانيّ. (طَبّاخَة) .... ٨ هذه لُبنانيّة. (لُبنانيّ) ....

١٠ أَكمِل كَما في المثال:

(اين فرودگاه است: هذا مَطار.) (اين هواپيما است: هذه طائِرَة.)

هذا مَطار. هذه طائِرَة هذا كمال هذه ليلى

١هذا .... ٢هذه .... ٣ هذا .... ٤ هذه ....

٥ هذا .... ٦هذه .... ٧ هذا .... ٨ هذه ....

١ أجب كَما في المثال:

(اسمش چیست؟: ما اسْمُهُ؟) (أحْمَد) (اسمش احمد است: اسمُهُ أحمد.)

١ ما اسمه؟ (سالم) .... ٢ ما اسمه؟ (مصطفى) ....
٣ ما اسمه؟ (حَسَن) .... ٤ مااسمه؟ (عدنان) ....
٥ .... ٦ ....

٢ أجب عن الأسئلة مستعملا ما تحته خط.

(اسمش چیست؟: ما اسْمُها؟) زَينَب (اسمش زینب است: اسْمُها زَينَب.)

١ ما اسمها؟ سُعاد .... ٢ما اسمها؟ نبيلة ....
٣ ما اسمها؟ سلمى .... ٤ ما اسمها؟ ندى ....
٥ .... ٦ ....

٣ أجب عن الأسئلة مستعملا ما تحته خط.

ا- ما اسمه؟ سالم .... ب- ما اسْمُها؟ نبيلة ....
ج- ما اسمه؟ أحمد .... د- ما اسمها؟ زينب ....
هـ- ما اسمه؟ مصطفى .... و- ما اسمها؟ سعاد ....
ز- ما اسمه؟ حسن .... ح- ما اسمها؟ سلمى ....
ط- ما اسمه؟ كريم .... ي- ما اسمها؟ فريدة ....
ک- .... ل- ....

٤ أكمِل كَما في المثال:

مصطفى مِن باكستان. مصطفى باكستانيّ.

١ ..... مِنَ السُّعودية .... ٢ ..... مِن المَغرِب ....
٣ ..... مِن لِيبيا .... ٤ ..... مِن البَحرين ....
٥ .... ٦ ....

٥ اقرَأ الجُمَلَ الآتيةِ مَرَّةً و اكتُبها مَرَّتَين:

(من مصطفى هستم: أنا مصطفى) **(اسمم مصطفى است: إسمي مصطفى)**

أنا مصطفى (من مصطفى هستم) (أنا) **إسمي مصطفى (اسمم مصطفى است) (ي)**

أنتَ عادِل (أنتَ) .... (كَ)

أنتِ لَيلي (أنتِ) .... (كِ)

هُوَ أحمَد (هُوَ) .... (هُ)

هِيَ زَينَب (هِيَ) .... (ها)

٦ أكمِل كَما في المثال:

مصطفى مِن باكستان. هُوَ باكِستانيّ. **نَجاة مِن تونُس. هِيَ تونُسيَّة.**

١ سامي مِن الجَزائِر .... ٢ سامِيَة مِن الـمَغرِب ....

٣ فَوزي مِن الأُردُن .... ٤ زَينَب مِن سوريا ....

٥ سُعاد مِن السُّعودية .... ٦ فَهد مِن اليَمَن ....

٧ خَليل مِن عُمان .... ٨ حِصَّة مِن البَحرين ....

٩ نَعيمَة مِن مِصر .... ١٠ كَمال مِن ليبيا ....

٧ أكمِل كَما في المثال:

أنا سلمى أحمد ، إسمي سلمى أحمد **إسمي محمد شريف ، أنا محمد شريف.**

١ إسمي بدر علوي. .... ٢ أنا احلام راشد. ....

٣ أنا علي إبراهيمي . ... ٤ إسمي نَبيلَة محمد. ....

٥ إسمي سامي أحمد. .... ٦ إسمي ندى علوي. ....

٧ إسمي حَسَن مُراد. .... ٨ أنا سَميرة مُراد. ....

٨ أَكمِل كَما في المثال

(اسم دوستم نبيله است: إسمُ صَديقَتي نَبيلَة) **(اسم دوستت چيست؟: ما إسْمُ صَديقَتِک؟)**

١ إسمُ صَديقي حَسَن. .... ٢ إسمُ زَوجَتي فَوزية . ...

٣ إسمي سامي. .... ٤ إسمُها سَميرَة. ....

٥ إسمُ المُدَرِّس أَحمدُ الرّاشد. .... ٦ إسمُ المُفَتِّش عَلي عَلَويّ. ....

٧ إسمُهُ مَحمود. .... ٨ إسمُ صَديقَتي نَبيلَة. ....

٩ أجب بـ «نعم» أو «لا».

١ هل إسمه سالم؟ ...... إسمه سالم. ٢ هل إسمها كريمة؟ ...... إسمها نبيلة.

٣ هل إسمه مصطفى؟ ...... إسمُهُ علي. ٤ هل إسمها زينب؟ ...... إسمها زينب.

٥ هل إسمه حسن؟ ...... إسمه حسن. ٦ هل إسمها فاطمة؟ ...... إسمها كريمة.

٧ .... ٨ ....

۱ تَبادَلِ الحِوارَ مَعَ زَميلِکَ، کَما في المِثال.

م:(ناديا – لبنانيّة – لبنان) ط۱: إسْمي ناديا ، أنا لبنانيّة. أنا مِنْ لبنان. ط۲: أَهْلاً وَ سَهْلاً.

۱ م : فاطِمَة- مِصْرِيَّة- مِصْر ط۱ .... ط۲ ....
۲ م : مَحْمود- تُرْكِيّ- تُرْكِيا ط۱ .... ط۲ ....
۳ م : خَديجَه- سورِيَّة- سورِيا ط۱ .... ط۲ ....
٤ م: عَلِيّ- باكِسْتانيّ- باكِسْتان ط۱ .... ط۲ ....
٥ م : أحْمَد- مِصْرِيّ- مِصْر ط۱ .... ط۲ ....
٦ م : بهروز – إيرانيّ - إيران ط۱ .... ط۲ ....
۷ م .... ط۱ .... ط۲ ....
۸ م .... ط۱ .... ط۲ ....

۲ تَبادَلِ الحِوارَ مَعَ زَميلِکَ، کَما في المِثال.

م: أَخ- مُدَرِّس ط۱: هذا أَخي، هُوَ مُدَرِّس. ط۲: أَهْلاً وَ سَهْلاً.

۱ م : أُخْت- طَبيبَة ط۱......ط۲...... ۲م: صَديق- مُهَنْدِس ط۱......ط۲......
۳ م : أب - طَبيب ط۱......ط۲...... ٤ م: أخ- طالِب ط۱......ط۲......
٥ م : صَديقَة- طالِبَة ط۱......ط۲...... ٦ م: والِدة - طبيبة ط۱......ط۲......
۷ م.................... ط۱......ط۲...... ۸ م.................... ط۱......ط۲......

۳ تَبادَلِ الحِوارَ مَعَ زَميلِکَ، کَما في المِثال.

م: إيرانيّ

ط۱– السَّلامُ عَلَيْكُم. ط۲– وَ عَلَيْكُمُ السَّلام.
ط۱– كَيْفَ حالُکَ؟ ط۲– بِخَيْرٍ و الحَمْدُلِله.
ط۱– ما جِنسِيَّتُکَ؟ ط۲– أنا إيرانيّ
ط۱ – أَهْلًا وَ سَهْلاً

۱ م: تُرْكيَّة	ط۱	ط۲	۲ م: سوريّ	ط۱	ط۲ ....
۳ م: مِصْريّة	ط۱	ط۲	٤ م: كويتيّ	ط۱	ط۲ ....
٥ م: لبنانيّة	ط۱	ط۲	٦ م: باكِسْتانيّ	ط۱	ط۲ ....
۷ م:	ط۱	ط۲	۸ م:	ط۱	ط۲ ....

٤ تَبادَلِ الحِوارَ مَعَ زَميلِكَ، كَما في المِثال.

م: بهروز – ایران

ط۱: ما إسْمُکَ؟ **ط۲: إسْمي بهروز.**

ط۱: مِنْ أَيْنَ أَنْتَ؟ **ط۲: أَنا مِنْ إيران.**

ط۱: هَلْ أَنْتَ إيرانيّ ؟ **ط۲: نَعَمْ، أَنا إيرانيّ.**

۱ م: عدنان – العراق	ط۱	ط۲	۲ م: حسين – لبنان	ط۱	ط۲ ....
۳ م: إقْبال- باكِسْتان	ط۱	ط۲	٤ م: أَنْوَر- سوريا	ط۱	ط۲ ....
٥ م: سَعيد- مِصْر	ط۱	ط۲	٦ م: بَدْر- تُرْكيا	ط۱	ط۲ ....
۷ م:	ط۱	ط۲	۸ م:	ط۱	ط۲ ....

٥ أَكمِل كَما في المثال:

إسم	**(اسمم: إسمي)**	**(اسمت: إسمُکَ)**	**(اسمت«زن»): إسمُکِ**
زِيارَة	**زِيارَتي**	**زِيارَتُکَ**	**زِيارَتُکِ**
۱ عُنوان	....	....	....
۲ شهادة	....	....	....
۳ وَظيفَة	....	....	....
٤ جِنسيّة	....	....	....
٥ جَواز	....	....	....

٦ أكمِل كَما في المثال:

ما إسْمُکَ؟ ما إسْمُهُ؟ ما إسمُها؟

١ ما عُنوانُک ؟ .... ٢ ما وَظيفَتُک ؟ ....

٣ ما جِنسيتُک ؟ .... ٤ ما لَقَبُک ؟ ....

٥ ما شهادتُک ؟ .... ٦ ما إسْمُک ؟ ....

٧ أكمِل كَما في المثال:

(او كيست؟: مَن هو؟) (او بهروز است: هو بهروز.)

مَن هو؟ (بهروز) هو بهروز. مَن أنتِ؟ (سَميرة) أنا سَميرة.

١ مَن أنتَ ؟ (سامي) .... ٢ مَن أَنتِ ؟ (نَبيلة) ....

٣ مَن هُوَ ؟ (مفتِّش) .... ٤ مَن هيَ ؟ (السَّيدة ليلي) ....

٥ مَن أنتَ ؟ (حَسَن) .... ٦ مَن أَنتِ ؟ (طالبة) ....

٧ مَن هُوَ ؟ (ضابط) .... ٨ مَن هِيَ ؟ (مُدَرِّسَة) ....

٨ حوِّل كما في المثالين.

م: (صديق – بدر) ط: هذا صَديقي، إسمُهُ بَدر.

م: (أُخت – زهراء) ط:هذِهِ أُختي، إسمُها زهراء.

١ م: صَديقَة - شَيماء ط: .... ٢ م: أُخت - زهراء ط: ....

٣ م:بنت - شيرين ط: .... ٤ م: إبن - عَدنان ط: ....

٥ م: صَديق - حُسَين ط: .... ٦ م: عَمّ - صادق ط: ....

٧ م: خالَة - سَوسَن ط: .... ٨ م: خال - آرش ط: ....

٩ ط: .... ١٠ ط: ....

٩ تَبادَلِ السُّؤالَ و الجَوابَ مَعَ زُمَلائِکَ.

أ- م: إسْمي مُحمَّد، ما إسْمُکَ ؟

ط١: إسْمي .... ما إسْمُکَ ؟ ط٢: إسْمي .... ما إسْمُکَ ؟

ط٣: إسْمي .... ما إسْمُکَ ؟ ط٤: ....

ب- أنا مِنْ إیران، مِنْ أَیْنَ أنْتَ ؟

ط١: أنا مِنْ .... مِنْ أَیْنَ أَنْتَ ؟ ط٢: أنا مِنْ .... مِنْ أَیْنَ أَنْتَ ؟

ط٣: أنا مِنْ .... مِنْ أَیْنَ أَنْتَ ؟ ط٤: ....

ج- م: أنا إیرانيّ، ما جِنْسِیَّتُکَ ؟

ط١: أنا .... ما جِنْسِیَّتُکَ ؟ ط٢: أنا .... ما جِنسِیَّتُکَ ؟

ط٣: أنا .... ما جِنْسِیَّتُکَ ؟ ط٤: ....

(یَذْکُرُ کُلُّ طالِبٍ اِسْمَهُ، و اسْمَ بَلَدِهِ، وَ جِنْسِیَّتَهُ)

١ أكمِل كَما في المثال و انطِق الكَلِمَة بعدَ إدخالِ «ال» مع النَّظَر إلى المعنى.

(یک ماشین/ ماشینی: سَیّارة) (ماشین: السّیّارة)

ظَرف	الـ..........	دِیک	الـ	نافِذَة	الـ..........
صُندوق	الـ..........	نَبات	الـ..........	ضابِط	الـ..........
زِرّ	الـ..........	شُبّاک	الـ..........	سَیّارَة	الـ..........
ذِراع	الـ..........	ثَور	الـ..........	تِمثال	الـ..........
سَهم	الـ..........	شَمس	الـ..........	سَفینة	الـ..........

٢ أكمِل كَما في المثال و انطِق الكَلِمَة بعدَ إدخالِ «ال» مع النَّظَر إلى المعنى.

(یک خانه/ خانه ای: بَیت) (خانه: البَیت)

بیت	الـ..........	إصبَع	الـ..........	خبر	الـ..........
جَواز	الـ..........	کِتاب	الـ..........	وَردة	الـ..........
عَین	الـ..........	غرفة	الـ..........	قِطَّة	الـ..........
فاكهة	الـ..........	هاتف	الـ..........	حقیبة	الـ..........
قَمَر	الـ..........	یمین	الـ..........	کُوب	الـ..........

٣ أكمِلِ الناقصَ من الحواراتِ التالیة.

الحوار الأول

كريم : السَّلامُ عَلَيكُم.
سالم : ....

كريم : ....؟
سالم : بِخَير، الحَمْدُلله، وَ أنْتَ كَيفَ الحال؟

كريم : بِخَير، الحمدُلله.

الحوار الثاني

فريد : ....
كريمة : وَ عَلَيكُمُ السَّلام.

فريد : كَيفَ الحالُ؟
كريمة : ....، وَ ....؟

فريد : الحَمْدُلله، بِخَيرٍ، شُكْراً.

الحوار الثالث

فاطمة : السَّلامُ عَلَيكُم. سالم : و ....

فاطمة : ....؟ سالم : بِخَير، الحَمدُلله، وَ أنْتِ كَيفَ الحال ؟

فاطمة : .... ، شُكْراً.

الحوار الرابع

ليلى : .... فاطمة : ....

ليلى : .... فاطمة : ....؟

ليلى : ....

٤ حوِّلِ النَّصَّ التّالي إلى حوارٍ يجري بين سالم و حسن كما في المثال.

(متن زير را مانند مثال، به گفت و گويى ميان سالم و حسن تبديل كنيد.) [١]

سالم و حسن : سالم مهندس لبنانيّ و حسن طبيب إيرانيّ. سالم بخير و حسن بخير أيضاً. سالم سعيد بمقابَلةِ حسن و حسن سعيد بمقابَلةِ سالم أيضاً.

مثال:

سالم: السَّلامُ عليكم.
حسن: و عليكُمُ السَّلام.
سالم:كَيفَ الحال ؟
حسن: بخير والحمدُلله وأنت كيف الحال ؟
سالم: بخير ، شكرا. ما اسمک ؟
حسن: إسمي حسن و انت ما اسمک ؟
سالم: إسمي سالم. هل انت مهندس ؟
حسن: لا ، أنا طبيب وانت ؟
سالم: أنا مهندس. من أين انت ؟
حسن: أنا من إيران وما جنسيَّتُک ؟
سالم: أنا لبنانيّ.
حسن: أنا سعيد بمقابلتک.
سالم:أنا أيضاً،إلی اللِّقاء.
حسن: مع السَّلامة.

١ برای تبدیل متن به گفت و گو، فقط از واژگان و اطلاعاتی که درمتن آ«ده است استفاده کنید. با تقلید از آنچه تا کنون دیده ، شنیده و آموخته اید، می توانید متن بالا را مانند مثال به گفت و گویی میان سالم وحسن تبدیل کنید. این روش را بیاموزید و درمورد تمام متن هایی که می خوانید به اجرا بگذارید.

٥ اقرأ الجُمَلَ الآتية ثم كوِّن بها حواراً يدور بين ليلى و كمال.

١ (این کمال است.)	هذا كَمال	هذه لَيلى
٢ (کمال پزشک است.)	كَمال طَبيب	ليلى طَبيبَة
٣ (کمال سودانی است.)	كَمال سودانيّ	ليلى سودانيّة
٤ (کمال سودانی است.)	كمال مِن السّودان	لَيلى مِن السّودان
٥ (کمال پزشک درمانگاه است.)	كمال طَبيب في المُستَوصَف	ليلى طَبيبَة في المُستَوصَف

كَمال : .... لَيلى: ....

كَمال: .... لَيلى: ....

٦ اِقرَأ الحِوار التّالي:

التَّعارف:

كَمال: السَّلامُ عَلَيكُم
سَمير: و عَلَيكُمُ السَّلام
كَمال: أَنا كَمال إبراهيم، مَن أَنتَ؟
سَمير: أَنا سَمير محمَّد؟
كَمال: و مَن هِيَ؟
سَمير: هِيَ لَيلى أَحمَد.
كَمال: كَيفَ الحال يا لَيلى؟
ليلى: بِخَير و الحَمدُلِلّه.
سَمير: أَنا مِن مِصر وليلى مِن لُبنان ... مِن أَينَ أَنتَ ياكَمال؟
كَمال: أَنا مِن السُّودان.
ليلى: أَنا لُبنانيّة، وَ سَمير مِصرىّ، وَ أَنتَ يا كَمال سودانيّ.
سَمير: أَنا مُهَندِس، وَ لَيلى مُدَرِّسَة، وَ أَنتَ يا كَمال مامِهنَتُک؟
كَمال: أَنا طَبيب في المُستَوصَف.
سَمير: فُرصَة طَيِّبَة.
كَمال: مَعَ السَّلامَة.

٧ أَجِب عَنِ الأَسئِلَةِ التّالية.

١ مِن أَينَ كَمال؟ .... ٢ ما مِهنَتُهُ؟ ....
٣ ما جِنسيّةُ سَمير؟ .... ٤ ما مِهنَتُهُ؟ ....
٥ مِن أَينَ لَيلى؟ .... ٦ ما مِهنَتُها؟ ....

٨ أكمل النَّص التّالي مُستَعيناً بِحِوارِ (التَّعارف).

هذا كَمال إبراهيم هُوَ مِن .... هو طبيب في .... و هذا سَمير محمّد .... مِن .... هو .... و هذه لَيلى أَحمَد .... لُبنانيّة هِيَ .... و هذا حِوارٌ و تعارفٌ بينَ كمال و .... و ....

٩ أَجِب.

١ السَّلامُ عَلَيْكُم. .... ٢ ما اسْمُکَ؟ ....
٣ كَيْفَ حالُکَ؟ .... ٤ مِنْ أَيْنَ أَنْتَ؟ ....
٥ ما جِنْسِيَّتُکَ؟ .... ٦ هَلْ أَنْتَ لبنانيّ؟ ....
٧ هَلْ أَنْتَ مِنَ العراق؟ .... ٨ مَعَ السَّلامَة. ....

إِثْنَان: دو	خَمْسَة: پنج	مُوَظَّف: كارمند
أَخ: برادر	رَبَّة بَيت: خانه دار	مُفَتِّش: بازرس
أُخْت: خواهر	زيارة: ديدار	مِهنة: شغل
أَرْبَعَة: چهار	شهادة : مدرک	ما؟: چيست؟
أَنَا: من	صَديق: دوست	نَعَمْ: بله
أَنْت: تو	طالِب: دانشجو	واحِدٌ: يک
أَيْنَ؟: کجا؟	طَبّاخَة: آشپز (مونث)	وَظيفة: شغل
بُستاني: باغبان	طَبيبَة: پزشک (مونث)	هَذا: اين
تركيا: کشور ترکيه	ضابط: افسر	هَلْ؟: آيا؟
تركيّ: اهل ترکيه	عُنوان: آدرس	هُوَ: او
تُركيّة: اهل ترکيه (مونث)	كَ: (لِلْمُخاطَب)	هِيَ: او (مونث)
ثَلاثَة: سه	كِ: (لِلْمُخاطَبَة)	ي: (لِلْمُتَكَلِّم)
جِنسيَّة: مليت	مُدَرِّس: معلم	
جَواز : گذرنامه	مِنْ: از	

أنا بِخَيْر: من خوبم	اَلْحَمْدُلله: خدا را شكر	مَعَ السَّلامَة: به سلامت
أَهْلاً وَ سَهلاً: سلام/ خوشبختم	كَيْفَ حالُكَ؟: حالت چطور است؟	أنا سعيد بمقابلتک: از ديدارت خوشبختم

(كَ، كِ، ي)

برای پرسش از اسم خلیل به او می گوییم: (ما اسْمُكَ؟: اسمت چیست؟)، (كَ) در فارسی معادل (تو) یا (ت) در (اسمت) است. (كَ) را برای یک فرد مذکر مخاطب مانند (خلیل) به کار می بریم. و مانند آن است: (حالُكَ)، (جِنْسِيَّتُكَ) و ...که (كَ) برای یک فرد مذکر مخاطب به کار رفته است.

برای پرسش از اسم خدیجه به او می گوییم: (ما اسْمُكِ؟: اسمت چیست؟) (كِ) در فارسی معادل (تو) یا (ت) در (اسمت) است. (كِ) را برای مونث مخاطب مانند (خدیجه) به کار می بریم. و مانند آن است: (حالُكِ)، (جِنْسِيَّتُكِ) و ... که (كِ) برای یک فرد مونث مخاطب به کار رفته است.

خلیل می گوید: (اِسْمي خليل)، (اسم من خلیل است) وخوله می گوید: (اِسْمي خَوْلَة)، (اسم من خوله است.) (ي) بعد از(اسم) در فارسی معادل (من) یا معادل (م) در (اسمم) است. (ي) برای خلیل و خَوْلَة یعنی گوینده ی مذکر و مونث یکسان به کار می رود.

(أَنْتَ، أَنْتِ، هُوَ، باكستانيّ، باكِسْتانيّة)

برای بیان ملیت مصطفی می گوییم (مصطفى مِن باكستان) یا (هُوَ باكِستانيّ) باکستان اسم کشور است لذا تغییر نمی کند اما باكستانيّ به یک فرد مذکر و باكستانيَّة به یک فرد مونث گفته می شود به همین دلیل متناسب با جنس فرد تغییر می کند.

به محمد می گوییم (أَنْتَ باكِسْتانيّ): (تو پاکستانی هستی) (أَنْتَ) را برای یک فرد مذکر مخاطب به کار می بریم و (باكِسْتانيّ) را نیز متناسب با آن برای یک فرد مذکر به کار می بریم و درباره ی یک فرد مذکر غایب اسم هایی مانند: (محمد) ،(هو) و (باكستانيّ) را به کار می بریم و می گوییم: (هُوَ باكِسْتانيّ): (او پاکستانی است) و نیز (محمد باكِسْتانيّ): (محمد باكِسْتانيّ) است.

به زینب می گوییم (أَنْتِ باكِسْتانيّة: تو پاکستانی هستی) (أَنْتِ) را برای یک فرد مونث مخاطب به کار می بریم و (باكِسْتانيّة) را نیز متناسب با آن برای یک فرد مونث به کار می بریم.(ة) در آخر اسم نشانه ی مونث بودن آن است. درباره ی یک فرد مونث غایب اسم هایی مانند : (زينب)، (هِي) و (باكِسْتانيّة) را به کار می بریم و می گوییم:(هِيَ باكِسْتانيّة: او پاکستانی است) و نیز (زينب باكِسْتانيّة: زينب پاكِسْتاني است).

(هَذِهِ، هَذا)

(هَذِهِ أُخْتي، هِيَ طبيبة: این خواهرم است او پزشک است) (هَذِهِ: این) و(هِيَ: او) با (أخت) و (طبيبة) که هر دو مونث هستند به کار می روند و مانند آن است: (هَذِهِ صَديقَتي، هِيَ طالِبَة) .

(هَذا صَديقي، هُوَ مُهَنْدِس: این دوستم است او مهندس استَ) (هَذا: این) و(هُوَ: او) با (صَديقي) و (مُهَنْدِس) که هر دو مذکر هستند به کار می روند. و مانند آن است: (هَذا أَخِي، هُوَ مُدَرِّس).

(ها، هُ)

درباره ی اسم خلیل از شخص سومی می پرسیم: (ما اسْمُه؟: اسمش چیست؟) (هُ) به معنای (او) یا معادل (ش) در (اسمش) است (هُ) را برای یک فرد مذکر غایب مانند(خلیل) به کار می بریم. و مانند آن است: (كَيْفَ حالُهُ؟) و (ما جِنْسِيَّتُهُ؟) که (هُ) برای یک فرد مذکر غایب به کار رفته است.

درباره ی اسم خدیجه از شخص سومی می پرسیم: (ما اسْمُها؟: اسمش چیست؟) (ها) به معنای (او) یا معادل (ش) در (اسمش) است(ها) را برای یک فرد مونث غایب مانند (خدیجه) به کار می بریم. و مانند آن است: (كَيْفَ حالُها؟) و (ما جِنْسِيَّتُها؟) که (ها) برای یک فرد مونث غایب به کار رفته است.

(سَيَّارَة، السَّيَّارَة)

در زبان فارسی اگر بخواهیم درباره ی ماشینی نا معلوم صحبت کنیم اول آن واژه ی (یک) می آوریم و می گوییم (یک ماشین) یا به آخر آن (ی) اضافه می کنیم و می گوییم (ماشینی). در عربی برای بیان آن، اسم را بدون (أَل) به کار می بریم و می گوییم (سَيَّارَة) که به آن نکره گفته می شود. حال اگر بخواهیم درباره ی ماشینی مشخص صحبت کنیم اول آن (أَل) می آوریم و می گوییم (السَّيَّارَة) که به آن معرفه گفته می شود. معرفه در فارسی معمولا نشانه ای ندارد و تنها گفته می شود (ماشین) یا گاهی می گوییم (آن ماشین).

(الشمس، القمر)

(لام) در (أَل) در تماس با (سین) در (سَيَّارَة) هنگام تلفظ یکی شده و از این رو (سین) مشدد خوانده می شود: (أَسْسَيَّارَة: أَلسَّيَّارَة) نیمی از حروف عربی این خاصیت را دارند، به این حروف شمسی گفته می شود.

اما (لامِ) (ال) در تماس با (باء) در (بیت) هنگام تلفظ جدا خوانده می شود:(أَلْبَيت) به (باء) حرف قمری گفته می شود نیمی از حروف عربی این خاصیت را دارند. روش یادگیری این حروف تکرار با صدای بلند است.